

دستاوردهای ورود بخش خصوصی در توسعه و بهره برداری از شبکه های آبیاری با رویکرد طرح ۳۹۳ هکتاری خرمشهر

هوشنگ باقری

کارشناس ارشد سازمان آب و برق خوزستان

مسلم سروستانی

کارشناس ارشد سازمان آب و برق خوزستان

bagheri1972@yahoo.com

چکیده

توسعه کشاورزی تابع وجود آب می باشد، بنابراین گام نخست برای توسعه کشاورزی، کنترل و مدیریت مصرف بهینه آب می باشد. بخش عمده آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی مصرف می شود و از طرف دیگر راندمان مصرف آب در بخش کشاورزی بسیار پایین می باشد، بنابراین اتخاذ راهکارهایی مانند مدیریت مشارکتی برای افزایش راندمان آبیاری و کاهش هزینه ها بسیار ضروری می باشد. همچنین تجربه نشان می دهد که برنامه های توسعه پایدار، از طریق برنامه هایی اثر بخش خواهد بود که به نیازهای ملی از طریق مشارکتهای مردمی پاسخ می دهد. هر چه میزان همکاری مردم در فرآیند توسعه بیشتر باشد سرعت موفقیت در طرحها جهت دستیابی به توسعه پایدار به همان نسبت بیشتر خواهد بود. اجرای شبکه های آبیاری و زهکشی بدون توجه کافی به مشارکت بهره برداران تجربه موفقی در بر نخواهد داشت بنابراین می باید در طراحی شبکه های آبیاری و زهکشی، ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و مشارکتهای مردمی را در نظر گرفت. در همین راستا، این پروژه طبق درخواست ذینفعان و مالکان گروه مشاع و شرکت نخل سبز فرشاد مبنی بر استفاده از تسهیلات بند ط ماده ۱۷ قانون برنامه چهارم توسعه جهت اجرای شبکه مدرن آبیاری و زهکشی در محدوده ۳۹۳ هکتار از اراضی خرمشهر به اجرا گذاشته شده است که کاهش تصدی گری بخش دولتی و توجه خاص به بخش خصوصی و اصل ۴۴ قانون اساسی را می توان از دستاوردهای مهم این پروژه نام برد.

واژگان کلیدی: مشارکت، خصوصی سازی، برنامه چهارم توسعه، اصل ۴۴ قانون اساسی

مقدمه

محدودیت منابع آب کشور و تشدید این محدودیت که ناشی از تداوم افزایش میزان تقاضا (در بخش های مختلف کشاورزی، شرب و زیست محیطی که خود متأثر از روند روبه رشد جمعیت می باشد)، سبب گردیده تا حداکثر استفاده از منابع آب موجود و افزایش بهره وری و در نتیجه افزایش تولید در واحد سطح مطرح گردد. در شرایط کشور ایران که آب دارای پتانسیل محدودی است، توسعه کشاورزی تابع آن می باشد. در این ارتباط بدیهی است که آب های استحصال شده فعلی و آب قابل استحصال، پاسخگوی روند توسعه کشاورزی و تأمین مواد غذایی جمعیت روبه رشد جامعه نخواهد بود. بنابراین آنچه در این

زمینه اهمیت می‌یابد، مدیریت مصرف بهینه آب، همراه با مدیریت تقاضا در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی، شرب و محیط زیست می‌باشد تا توسعه پایدار در کلیه بخش‌های اقتصادی به ویژه بخش کشاورزی را امکان‌پذیر سازد. این امر در مقطع کنونی از طریق اتخاذ سیاست‌های کاری مناسبی میسر می‌باشد که از اهم این راهکارها می‌توان به انتقال مدیریت شبکه‌ها به بخش خصوصی یا بهره‌برداران و یا مشارکت آنان در امر بهره‌برداری و نگهداری اشاره نمود (بهزادی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۵).

تجربه نشان داده که بسیاری از برنامه‌های توسعه، اجرا و حمایت شده توسط عوامل خارجی پایدار نبوده و به مرور زمان از این منظر دچار مشکل می‌شوند. این در حالی است که افزایش مشارکت مردم روستایی به طور فعال و پویا، باعث نگهداری و حفظ پایداری پروژه‌های توسعه می‌گردد. حمایت سیاسی، احساس مالکیت بر پروژه و حفظ نظام‌های خدمات‌رسانی، از جمله مزایای مشارکت در این زمینه است. افزون بر این مشارکت امکان استفاده کارآمدتر از منابع موجود برای دستیابی به اهداف پروژه‌های توسعه را فراهم می‌سازد. به عنوان مثال مشارکت از طریق کاهش سوءتفاهم و اختلافات احتمالی، باعث ذخیره زمان و انرژی برای فعالیت‌های مفیدتر می‌شود. از طرفی وقتی مردم مسئولیت انجام برخی از کارها را می‌پذیرند، غالباً نیاز به منابع و نیروی انسانی پرهزینه خارجی کمتر می‌شوند (شعبانعلی‌فمی و همکاران، ۱۳۸۳).

امروزه موضوع مشارکت یکی از مسائل مهم در توسعه و پیشرفت کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما می‌باشد. با توجه به ساختار اقتصادی ایران که کشاورزی در آن جایگاه ویژه‌ای دارد و اهمیت آبیاری و زهکشی در افزایش بهره‌برداری از منابع آب و خاک و نیز نارسایی نظام مدیریت دولتی در امور بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی، مشارکت مردم در این زمینه امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر مشارکت مردم بر مبنای صحیح هدایت شود، نتایج مثبت و ارزنده‌ای به همراه خواهند داشت که بوجود آمدن یگانگی بین مردم، تحقق همه جانبه توسعه و شکوفائی خلاقیت‌ها، استفاده بهینه از تمام منابع ملی، تحقق مردم‌سالاری و تعیین سرنوشت انسان‌ها بوسیله خویش از نتایج و آثار آن می‌باشد. اگر بنا باشد توسعه برای مردم سودمند باشد، می‌باید خودشان در فرآیندهای بررسی و برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه مشارکت داشته باشند. بنابراین هدف اساسی از مشارکت، تبدیل توسعه به یک فرآیند مشارکتی گسترده از تغییر اجتماعی در یک جامعه است که هدف چنین توسعه‌ای نیز این است که اکثریت مردم با در اختیار داشتن هر چه بیشتر زمام امور و کنترل محیط خودشان به پیشرفت اجتماعی و مادی دست یابند (بی‌نام، ۱۳۸۲).

مشارکت دارای ظرفیت و پتانسیل‌های ویژه‌ای است که با غلبه بر مشکلات و تنگناهای واقع در مسیر طرح‌ها، می‌تواند زمینه شکوفایی استعدادها و پرورش خلاقیت‌های مردمی را ایجاد نموده و بخش دولتی را از دغدغه‌های مالی و مدیریتی رها سازد و رویکرد خصوصی‌سازی را نقش‌بندی نماید. مشارکت مردمی راهی به سوی فعال نمودن نیروی عظیم توده‌ای است که در روند مشارکت با موانع و مشکلات آشنا گردیده و این خود موجب افزایش آگاهی آنان در مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود می‌گردد (زرشناس و همکاران، ۱۳۹۰).

در واقع هزینه‌های سرسام‌آور بهره‌برداری و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی و عدم تکافوی آب‌بهاء جهت این هزینه‌ها، اولین انگیزه برای جلب مشارکت کشاورزان به منظور مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی بوده است و در ادامه، عوامل دیگری همچون، مدیریت بهره‌برداری و نگهداری ضعیف و نامناسب، عدم توجه به رضایتمندی کشاورزان، عملکرد پایین و سرعت گرفتن روند فرسایش شبکه‌ها، دولت‌ها را برای انتقال مدیریت شبکه‌ها به کشاورزان، مصمم‌تر کرد (مرادی و توکلی، ۱۳۸۷).

هم‌چنین برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت سامانه‌های منابع آب برای تحقق اهداف توسعه پایدار در یک منطقه نیازمند مشارکت همگانی است. تعیین راهکارهایی جدید و مناسب برای تحقق ابعاد و سطوح مختلف مشارکت مردم در مدیریت شبکه‌ها نیازمند بررسی‌های عمیق، جامع و بهره‌جویی از دیدگاه‌های مشارکتی می‌باشد و این تحقق نمی‌یابد مگر با راهبرد برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی و انتقال قدرت به جوامع محلی که باید مورد توجه خاص قرار گیرد (فکری‌ارشاد، ۱۳۸۴).

به منظور اجرای اثربخش مدیریت حوزه‌های آبخیز، به یک ترکیب مناسب مشارکت‌های مردمی، اعتبارات مالی، نیروی انسانی، فرهنگ و منابع سازمانی نیاز دارد (Hernandes, 1995). با مشارکت مردم در مدیریت منابع آب موجب توانمندسازی کشاورزان، امکان مدیریت مطلوب محلی شده و کشاورز خود را شریک در طرح دانسته و مدیریت می‌کند (Duram and Brown, 1999).

با توجه به اینکه در فرآیندهای توسعه پایدار، انسان‌ها بازیگران و مجریان اصلی توسعه به حساب می‌آیند پس مشارکت‌های مردمی در توسعه پایدار اهمیتی بیش از پیش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت که مشارکت مساله‌ای است که تمام وجود پایداری را احاطه کرده است و بدون بحث پایداری بی‌معنی خواهد بود (ازکیا، ۱۳۸۷).

اهداف و مزایای مشارکت

مفهوم مشارکت یک مفهوم گسترده و چند وجهی بوده و دارای آن‌چنان گستره‌ای است که بدون در نظر گرفتن مردم درون جامعه، امکان دستیابی به اهداف را ناممکن می‌سازد. بطور کلی می‌توان گفت که در مشارکت، اهداف زیر دنبال می‌شود:

- توزیع مجدد منابع کمیاب
 - ایجاد فرصت‌هایی برای گروه‌های فرودست
 - تحقق بخشیدن به عدم تمرکز به منظور تسهیل تصمیم‌گیری در سطح محلی و در نتیجه توزیع قدرت
 - ایجاد سازوکارهای برنامه‌ریزی در سطح محلی
 - افزایش حس اعتماد
 - سرعت بخشیدن به ثمررسانی اقدامات و کاهش هزینه‌های اجرای طرح‌ها (خدری، ۱۳۸۳)
- مشارکت مردم در توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش یک کاتالیزور را دارد و عامل حساس در گسترش فرآیند رشد در کلیه جوامع انسانی اعم از جوامع توسعه یافته و در حال توسعه است. اکثریت قریب به اتفاق اندیشمندان اجتماعی، زمانی که از مشارکت سخن گفته‌اند، آن را در ارتباط مستقیم با توسعه بررسی کرده‌اند. از میان ۲۷ مفهوم لازم و مرتبط با توسعه، مفهوم مشارکت مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها شناخته شده است (عنبری، ۱۳۷۷).
- مشارکت در مفهوم واقعی خود قادر است که از خودبستگی افراد کاسته، اعتماد عمومی را افزوده، از برخوردها جلوگیری کرده، به قوانین معنا داده، از برنامه‌های سازمانی حمایت کرده، دانش محلی را شکوفا نموده، در یادگیری عمومی تأثیر داشته و فرآیندهای دموکراتیک را در نهادها بطور چشمگیری افزایش دهد (Salam et al., 2005; World Bank, 2003). بطور کلی شعبانعلی فمی و همکارانش (۱۳۸۳) مزایای مشارکت را به شرح زیر بیان نمودند:
- **کارایی:** مشارکت امکان استفاده کارآمد از منابع موجود برای دستیابی به اهداف پروژه‌های توسعه را فراهم می‌سازد.
 - **اثربخشی:** با افزایش مشارکت مردم در مراحل مختلف طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه، دستیابی به اهداف تسهیل شده، بطوری که برنامه‌ها از اثربخشی بالاتری برخوردار خواهد بود.
 - **خوداتکایی:** مشارکت باعث شکست ذهنیت وابستگی شده و خودآگاهی و اعتماد مردم را افزایش می‌دهد، بطوری که مردم محلی می‌توانند بسیاری از مشکلات خویش را شناخته و راهکارهایی برای حل آن‌ها بیابند. مشارکت از پیش‌نیازهای توسعه انسانی است که طی آن مردم محلی توانمند شده و می‌توانند بر پدیده‌هایی که بر زندگی آن‌ها اثر می‌گذارند کنترل بیشتری داشته باشند. بنابراین مشارکت علاوه بر آماده‌سازی مردم جهت تأثیرگذاری بیشتر بر فرآیند توسعه، باعث افزایش کنترل و استقلال آن‌ها در زندگی‌شان می‌شود.
 - **پوشش:** اکثر برنامه‌های توسعه تعداد یا بخش محدودی از جامعه روستایی را تحت پوشش قرار می‌دهند. در بسیاری اوقات خدمات تنها به بخشی جامعه روستایی عرضه می‌شود. مشارکت باعث افزایش این پوشش می‌شود.

• **پایداری:** تجربه نشان داده که بسیاری از برنامه‌های توسعه اجرا و هماهنگ شده توسط عوامل خارجی، پایدار نبوده و به مرور زمان از این نظر دچار مشکل می‌شوند. افزایش مشارکت مردم روستایی به طور فعال و پویا، باعث نگهداری و حفظ پایداری این پروژه‌ها می‌گردد. حمایت سیاسی، مالکیت پروژه و حفظ نظام‌های خدمات رسانی از جمله انواع مشارکت در این زمینه است.

لزوم مشارکت در برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی

در گذشته کشاورزی منبع اصلی تأمین معیشت و نظام بهره‌برداری کشاورزی، عمده‌ترین نظام اقتصادی و اصلی‌ترین محور فعالیت‌های تولید بوده است. بدین ترتیب نامناسب بودن نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی و مسائل و موانعی که بر سر راه استفاده بهینه از منابع تولید مطرح بوده، مهم‌ترین مسائل حیات اقتصادی مردم را تشکیل می‌داده است (زارعی دستگردی و همکاران، ۱۳۸۵).

بررسی‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناختی نشان می‌دهند که هرگاه مردم فرصت و مجال بیان خلاقیت و آفرینندگی خود را بیابند و در تصمیماتی که بر سرنوشت آن‌ها اثر می‌گذارد شریک شوند، نوآفرینی، خلاقیت و آفرینندگی بسیاری از خود نشان می‌دهند و مسئولیت‌های بیشتری را در راستای تعالی جامعه خویش پذیرا می‌شوند و نهایتاً، بهره‌ها و ثمرات توسعه و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای متعادل بین گروه‌های مختلف آنان توزیع می‌گردد (امیرانی و ظریفیان، ۱۳۸۲).

مسئله مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه روستایی موضوعی است که نقطه آغاز آن به دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بر می‌گردد. رشد و گسترش راهبردهای توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشورهای مغرب زمین و اتخاذ چنین استراتژی در بسیاری از کشورهای جهان سوم، موجب شد تا پیامدهای منفی مانند مهاجرت و جابجایی شدید جمعیتی، افزایش شکاف بین مناطق شهری و روستایی و غیره حادث شود. در نتیجه بسیاری از کشورها و تئوریسین‌های توسعه، درصدد برآمدند تا نسبت به رهیافت‌های اتخاذ شده تجدید نظر نمایند و تلاش‌هایی صورت گرفت تا کسانی را که در نتیجه این فرآیند توسعه و برنامه‌ریزی (از بالا و پایین) ضروری شده بودند در جهت اراده ملی متشکل شدند. از این رو موضوع مشارکت روستاییان و سازوکارهای جلب و به کارگیری آنها در برنامه‌های توسعه روستایی مورد توجه گردید و مفهوم جدیدی از توسعه با عنوان توسعه مشارکتی وارد ادبیات توسعه شد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱).

اهمیت فعالیت‌های گروهی در زمینه‌های مختلف از جمله کشاورزی، مدیریت منابع طبیعی و برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای درحال توسعه به اثبات رسیده است (Menizen, 2004). مشارکت به عنوان یک وسیله مناسب جهت تشویق و ترغیب مردم مخصوصاً روستاییان در جهت توسعه و آبادانی مناطق زندگی‌شان است و باعث می‌شود که روستاییان با شوق و اشتیاق بیشتری در به ثمر رساندن پروژه‌ها و طرح‌ها کوشش نمایند و با حس مالکیت طرح‌ها در استفاده و نگهداری صحیح از آنها کوشا باشند (باقری، ۱۳۹۱).

مارسدن و اوکلی (۱۳۷۰) دلایل اصلی ضرورت افزایش مشارکت مردم محلی در برنامه‌های کشاورزی، مواردی مانند افزایش سطح پوشش خدمات کشاورزی، کمک به شکستن مقاومت درونی و ذاتی نسبت به تغییر در مناطق روستایی، حصول اطمینان از تمرکز پروژه‌ها بر نیازهای اساسی و واقعی کشاورزان، سوگیری به سمت برآوردن نیازهای اقشار خرده‌پا در کنار کشاورزان پیشرو و از بین بردن جو بی‌اعتمادی نسبت به در نظر نیابردن نظرات کشاورزان در پروژه‌ها را بیان می‌نمایند.

در تعبیری گسترده، مشارکت در قالب یک سازمان مشخص به عنوان ابزار لازم و ضروری آن در نظر گرفته می‌شود. برخی معتقدند که فرآیندهای مشارکتی، زمینه‌ساز ظهور سازمان‌هایی نظیر تعاونی‌ها یا سازمان‌های کشاورزی است که می‌توانند در توسعه نقش بسیار مهمی ایفا نمایند. به عبارت دیگر، سازمان یک جزء اساسی فرآیند تواناسازی و پیش شرط اساسی برای افزایش جلب همکاری مردم محلی به شمار می‌رود (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۳).

در واقع توسعه پایدار فرآیندی است که فرصت‌ها و امکان انتخاب انسان را گسترش و قابلیت‌های او را افزایش می‌دهد. بحث توسعه پایدار روستایی بدون مشارکت و همیاری مردم امکان‌پذیر نمی‌باشد چرا که دولت به تنهایی از عهده چنین کاری ناتوان است. بنابراین می‌توان گفت که مشارکت مساله‌ای است که تمام وجود پایداری را احاطه کرده است و بدون بحث

پایداری بی معنی خواهد بود (ازکیا، ۱۳۸۷). از این رو در عصر حاضر، تفکیک مشارکت از مفاهیم توسعه غیر ممکن است. اگر بتوان مشارکت را در فرآیندهای توسعه به طور معناداری مورد توجه قرار داد، بی تردید موفقیت طرح‌های توسعه تضمین خواهد شد. در حقیقت، مشارکت وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت جستن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مندی از ثمرات آن تلقی می‌شود (مارسدن و اوکلی، ۱۳۷۰).

موقعیت و سیمای طرح

اراضی طرح به وسعت ۳۹۳ هکتار در جنوب استان خوزستان، به فاصله ۹۴ کیلومتری اهواز و ۲۲ کیلومتری شمال خرمشهر واقع شده است. تامین آب شبکه از طریق رودخانه کارون با طراحی یک ایستگاه پمپاژ صورت می‌گیرد. کشت غالب در منطقه گندم، جو، ذرت و صیفی جات و حدود ۱۰ هکتار نیز به نخیلات اختصاص یافته است. قبل از اجرای شبکه، اراضی طرح به علت عدم اجرای سیستم زهکشی، بافت نسبتاً سنگین خاک و کشت نشدن در سالهای متمادی به صورت متروکه درآمد بود و به دلیل سیلابهای فصلی و عدم تخلیه این سیلاب‌ها، با تبخیر آب سیلاب‌ها، نمک در خاک باقی مانده و سبب شوری بیش از حد اراضی شده است. اجزای طرح نیز شامل شبکه فرعی آبیاری (کانالهای درجه ۳ و ۴)، سازه‌های آبگیر و جاده‌های سرویس و راههای دسترسی به مزارع می‌باشند.

مراحل انجام کار:

این طرح در قالب بند ط ماده ۱۷ قانون برنامه چهارم توسعه اجرا گردیده که بموجب آن ۷۰٪ منابع مالی آن از طریق وزارت نیرو بصورت بلاعوض و ۳۰٪ از محل تسهیلات بانک کشاورزی تامین شده و در قالب یک مصوبه مشترک فیما بین وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی جهت اجرا ارائه شده است. که مراحل انجام آن به شرح زیر است:

- پیشنهاد به ذینفعان جهت ارائه مشخصات طرح مورد نظر
- تهیه پیش نویس طرح توسط مشاور
- بررسی طرح مورد نظر در سازمان توسط دفتر فنی
- رفع نواقص و مشکلات طرح در سازمان
- ارائه طرح به وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی
- بررسی طرح توسط وزارتخانه‌ها و در صورت قابلیت اجرایی بودن تصویب آن در قالب یک کارگروه
- ارجاع طرح به سازمان از طرف وزارتخانه جهت اجرا (سازمان در این زمینه فقط نقش نظارتی دارد)

روش کار :

طبق درخواست مالکان و ذینفعان (گروه مشاع و شرکت نخل سبز فرشاد) جهت دایر نمودن اراضی کشاورزی خود که عمدتاً به دلایلی از جمله جنگ تحمیلی و عدم وجود شبکه‌های آبیاری و زهکشی بلا استفاده بود، از سازمان آب و برق خوزستان و تقاضای آنها مبنی بر استفاده از تسهیلات بند ط ماده ۱۷ قانون برنامه چهارم توسعه (۷۰٪ بلاعوض سهم وزارت نیرو و ۳۰٪ سهم وزارت جهاد کشاورزی، با همکاری شرکت مشاور اقدام به طراحی شبکه آبیاری (کانالهای درجه ۳ و ۴) نمودند و مستندات و نقشه‌های طرح را به سازمان آب و برق خوزستان (دفتر فنی) ارائه نمودند. پس از بررسی طرح توسط سازمان آب و برق خوزستان، و تصویب آن توسط کارگروه مشترک وزارتین نیرو و جهاد کشاورزی، مصوبه آن جهت اجرا و نظارت به سازمان آب و برق خوزستان ارجاع داده شد.

سازمان آب و برق خوزستان به عنوان ناظر عالی، با برگزاری مناقصه محدود طبق ضوابط مطرح شده در مصوبه کارگروه، قرارداد انجام کار بین بهره‌بردار (گروه مشاع و شرکت نخل سبز فرشاد) و شرکت پیمانکار را منعقد نمود. در نهایت این طرح در قالب بند ط ماده ۱۷ قانون برنامه چهارم توسعه اجرا گردیده که بموجب آن ۷۰٪ منابع مالی آن از طریق وزارت نیرو بصورت بلاعوض و ۳۰٪ از محل تسهیلات بانک کشاورزی تامین شده و در قالب یک مصوبه مشترک فیما بین وزارتخانه‌های نیرو و

جهادکشاورزی جهت اجرا ارائه گردید. طبق مصوبه، بانک کشاورزی ۳۰٪ از منابع طرح به مبلغ ۱۵۰۰ میلیون ریال را در قالب تسهیلات متعهد گردید و در ازاء آن اسناد مالکیت اراضی بهره برداران را به عنوان وثیقه ترهین نمود. فرآیند تعریف کار بدین ترتیب بود که پیمانکار با شروع پروژه و انجام صورتجلسه تحویل زمین عملیات اجرایی را آغاز نموده و کلیه مکاتبات خود را ابتدا به مشاور طرح و مشاور به سازمان آب و برق خوزستان ارجاع نموده و انجام امور امکانپذیر خواهد شد. بدین ترتیب صورت وضعیتها پس از تهیه توسط پیمانکار، مشاور آنها را بررسی و سپس به سازمان آب و برق خوزستان ارجاع می شود و سازمان نیز پس از بررسی نهایی و تأیید کارکردها، آن را به بانک کشاورزی جهت پرداخت ارائه می نماید.

اهداف طرح :

- واگذاری کار به بخش خصوصی در راستای نیل به اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی
- کاهش هزینه های بخش دولتی
- بهره وری مناسب و استفاده بهینه از آب
- بهره وری صحیح از تاسیسات و شبکه های آبیاری
- ایجاد حس مالکیت تاسیسات و شبکه های آبیاری در بهره برداران
- تسریع در زمان اجرای پروژه
- تعمیق فرهنگ کار گروهی و مشارکتی

محاسن اجرای طرح با این شیوه :

- توجه خاص به موضوعات مهمی چون توسعه پایدار و استفاده از پتانسیلهای بالقوه و خارق العاده بخش خصوصی و استفاده از تمامی قابلیت های نهفته در این بخش
- سرعت در انجام فرایند مناقصه به علت انجام آن از طریق مشاور و کارفرما (بخش خصوصی)
- رفع موانع اجرایی و قانونی کندکننده پروژه
- تقویت احساس مسئولیت و تعهد پذیری در جامعه بهره برداران
- اتمام پروژه در موعد مقرر
- کاهش بار مالی دولت و جلوگیری از بروز مشکلاتی که در پروژه های قبل در اجرا و بهره برداری وجود داشته است .
- توانمند سازی بخش خصوصی و حرکت در مسیر اصل ۴۴ قانون اساسی با حمایت از این بخش با دادن اعتماد به نفس به آنان به عنوان کارفرما در دوران اجرا و بهره بردار پروژه در آینده .

نتیجه گیری:

عدم موفقیت مدیریت دولتی و کاهش راندمان در شبکه های آبیاری، توجه کارشناسان و مسئولان را به مشارکت بهره برداران در مدیریت طرح های منابع آب و انتقال مدیریت آبیاری به آنها معطوف ساخت. بنابراین با استفاده از دانش جوامع بومی و پتانسیل های نهفته در بهره برداران و تغییر تفکر از مدیریت دولتی به مدیریت بخش خصوصی، می توان راندمان و بهره وری را در شبکه های آبیاری با رشد فزاینده ای پیش بینی کرد. عدم بهره برداری بهینه از امکانات موجود از جمله صرف وقت و هزینه فراوان که عمدتاً خود ناشی از عدم احساس مسئولیت و تعهد نسبت به انجام امور و نداشتن متولی مشخص در بهره برداری از منابع و امکانات، راهنمای اصلی در انتخاب روش های

جایگزین برای این امر بوده است. همچنین رویکرد دولت به اصل ۴۴ قانون اساسی و لزوم واگذاری امور بخش خصوصی در راستای کوچک سازی بخش دولتی و تقویت بخش های غیر دولتی از دیگر ملزومات انتخاب این روش بوده است. از دستاوردهای مهم اجرای این روش را می توان کاهش چشمگیر زمان و هزینه در اجرای طرح که عمدتاً ناشی از درگیری مستقیم منافع بهره برداران سازمان یافته و محدود در طرح بوده که منافع متقابل برای بهره برداران و سیستم اجرایی و دولتی داشته را نام برد. همچنین درگیری مستقیم منافع بهره برداران و سپردن همه کار به آنها شاید بدیع ترین تجربه در این زمینه باشد که همزمان وجه تمایز آن نیز می باشد که البته سازمان نقش ناظر عالی بر روند حسن اجرای طرح را داشته است. تغییر مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی یکی از مهم ترین عوامل شناخته شده است اما آن عاملی که نقش مهمی در این فرآیند ایفاء می نماید، بهبود و ارتقاء سیستم مدیریت می باشد. بنابراین یکی از عناصر کلیدی فرآیند مشارکت، افزایش بهره‌وری بهبود و ارتقاء سیستم مدیریت می باشد.

سیاست تمرکززدایی مدیریت منابع آب به وسیله سیاست‌هایی همچون مدیریت محلی آب، تشکل‌های آب‌بران و مدیریت مشارکتی امکان‌پذیر است. مشارکت می‌بایست در کلیه مراحل اجرای طرح‌های توسعه منابع آب صورت پذیرد. مشارکت بهره‌برداران در مرحله مطالعات جهت تعیین اولویت‌ها و نیازها، در مرحله اجرا و سازندگی به منظور کمک در تأمین منابع مالی و نیروی انسانی و رفع مشکلات معارضین و جذب تسهیلات و نهایتاً در مرحله بهره‌برداری، مشارکت می تواند در مسئولیت‌پذیری بهره‌برداران و نگهداری بهینه از تأسیسات احداثی با بهره‌وری مطلوب کمک نماید. بنابراین حضور مؤثر و فعال کشاورزان در برنامه‌های توزیع آب، نه تنها رفع بسیاری از نارسایی‌های فیزیکی شبکه و کمبود آب توسط کشاورزان را بدنبال خواهد داشت، بلکه برداشتها و عکس‌العمل‌های منفی آنان نسبت به مدیریت را نیز کاهش خواهد داد.

مشارکت بهره‌برداران در مراحل تصمیم‌گیری، طراحی و اجراء، ضامن قبول مدیریت بهره‌برداری و نگهداری از شبکه بوده و دوام و بقای شبکه آبیاری و زهکشی و راندمان بهینه را تضمین می‌نماید. جهت رسیدن به اهداف فوق، علاوه بر اعتقاد مقامات دولتی و کارشناسان طرح، استفاده از عامل زمان بسیار مهم است. زمان مناسب برای جلب مشارکت در همان ابتدای امر، قبل از شروع مطالعات طراحی است. در صورتی که پس از اجرا با توجه به دیدگاه منفی که در بیشتر مناطق در بهره‌برداران وجود دارد و بر این باور هستند که دولت پس از اجراء، مسئولیت بهره‌برداری را برعهده گرفته و کل هزینه‌های بهره‌برداری و نگهداری را تأمین خواهد نمود، رغبت چندانی به مشارکت نشان نمی‌دهند. همچنین چون در مراحل طراحی و اجراء دخیل نبوده‌اند، اولاً شبکه آبیاری اجرا شده با شرایط و نیازهای آنها تطبیق کامل نخواهد داشت، ثانیاً حس مالکیت به طرح را نداشته و از قبول مسئولیت بهره‌برداری و نگهداری آن طفره خواهند رفت. مشارکت و حضور کشاورزان و بهره‌برداران به عنوان مصرف‌کنندگان اصلی آب در تصمیم‌گیری‌ها، اجرا و بهره‌برداری و نگهداری از طرح‌ها به عنوان عنصر کلیدی و اساسی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار بسیار مهم و ضروری است.

در این پروژه با سپردن کارها به مردم و استفاده از توان اجرایی و اقتصادی آنان و نیز با دخیل شدن بهره‌برداران در طرح‌ها، بسیاری از چالش‌ها و مقاومت‌های اجتماعی کاهش یافته و بهره‌برداران از نزدیک در جریان اهداف و مزایای اجرای طرح‌ها قرار می‌گیرند. بنابراین توجه به مسائل اجتماعی در کنار مسائل مختلف دیگر از جمله اقتصادی، فنی، محیطی و حقوقی امری ضروری است.

سپاسگزاری

بدینوسیله از مدیرعامل محترم سازمان آب و برق خوزستان که همواره از رهنمودها و تجارب ارزشمند ایشان بهره گرفته ایم و همچنین از دیگر همکاران زحمتکش و به طور خاص از دفتر تحقیقات و استانداردهای آب سازمان آب و برق خوزستان که ما را مورد حمایت و تشویق قرار داده اند تا در راستای اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گام برداشته و موجبات رشد و شکوفایی و توسعه و عمران پایدار این استان را فراهم می نمایند تشکر و قدردانی می شود.

مراجع:

- ۱- امیرانی، م و ظریفیان، ش. (۱۳۸۲). نقش سازمان‌های غیردولتی در روند ترویج و توسعه روستایی. ماهنامه علمی جهاد. شماره ۲۵۷. صص ۱۰۰-۱۱۲.
- ۲- ازکیا، م و غفاری، غ. (۱۳۸۸). تحلیلی مطالعات روستایی در ایران، مجله توسعه روستایی در ایران، دور اول، شماره ۱، صص ۳۳-۷.
- ۳- بهزادی‌نسب، م. معروف پور، ع.، م. (۱۳۸۵). بررسی مسائل و مشکلات بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی و اهمیت مشارکت مردمی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، صص ۱۴۷۵-۱۴۸۲.
- ۴- باقری، ه و سروستانی، م. (۱۳۹۱). بررسی نقش تشکله‌ها و طرح‌های مشارکت مردمی در توانمندسازی جوامع روستایی، همایش ملی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان.
- ۵- بی‌نام. (۱۳۸۲). کارنامه صنعت آب در سال ۸۱، وزارت نیرو، سازمان آب و برق خوزستان.
- ۶- پاپلی‌یزدی، م. (۱۳۸۱). نظریه‌های توسعه روستایی، تهران.
- ۷- خدری، ف. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در اجرای شبکه‌های آبیاری و زهکشی خوزستان به‌منظور ارائه راهکارهای مناسب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۸- زارعی‌دستگردی، ز. مختاری‌حصاری، آ و شعبانعلی‌فمی، ح. (۱۳۸۵). مدیریت مشارکتی شبکه‌های آبیاری، رهیافتی نوین در انتقال مدیریت منابع آب کشاورزی، همایش ملی مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۹- زورشناس، م. سروستانی، م و کردانی، م. (۱۳۹۰). بررسی مشکلات و چالش‌های بهره‌برداران در شبکه‌های آبیاری و زهکشی به‌منظور ارائه راهبردهای مناسب، پروژه تحقیقاتی وزارت نیرو، مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی صنعت آب و برق خوزستان.
- ۱۰- شعبانعلی‌فمی، ح. (۱۳۸۳). رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، تهران: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی، چاپ اول.
- ۱۱- عنبری، م. (۱۳۷۷). ارتباط زمینه‌های خانوادگی دانشجویان با مشارکت اجتماعی آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۲- فکری‌ارشاد، م. (۱۳۸۴). مبانی نظری مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، تهران.
- ۱۳- مارسدن، دیوندو اوکلی، پیتر. (۱۳۷۰). رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمودنژاد، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ۱۴- مرادی، ج.، و توکلی، م. (۱۳۸۷). بررسی ایجاد تشکلهای آب‌بران در شبکه‌های آبیاری و زهکشی، دومین همایش ملی مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- 15-Duram , L.A., and K.G.Brown.(1999). Assessing public participation in U.S. watershed planning initiatives. Society & Natural Resources.12:455-460
- 16-Hernandes, E.(1995). Monitoring and evaluation of watershed management project achievements. FAO Conservation Guide 24.Rome,Italy ,11-45.
- 17-Salam, M.A.,T.Noguchi , and M. koike .(2005). Factors in fluencing the sustained participation of farmers in participatory forestuy: A case study in central Sal forests in Bangladesh. Journal of Environmental Management . 74(1):43-51.
- 18-Menizen-Dick, R. Digregorio, M and Mccathy, N.(2004). Methods for studying collective action in rural development in agriculture , system 82:197-214.